



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

جلسه هشتاد و ششم؛ سه‌شنبه ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ (فقه معاصر هفدهم)

شبهه پنجم: درآمد بادآورده بیت‌کوبین برای برخی افراد، موجب عدم توازن و عدالت اجتماعی

همانطور که توضیح دادیم بیت‌کوبین دارای سقف است و سقف نهایی استخراج آن بیست و یک میلیون است و این محدودیت استخراج موجب می‌شود در طول زمان درآمدهای بادآورده‌ای برای بعضی افراد ایجاد کند؛ مثلاً در ابتدای شروع بحث ما قیمت یک بیت‌کوبین حدود بیست هزار دلار بود ولی امروز که هفده هفته از بحث ما گذشته، قیمت آن به حدود ۵۷ هزار دلار رسیده است. و این موجب برهم خوردن توازن اجتماعی و عدالت عمومی می‌شود. بدین جهت نمی‌توان آن را به عنوان یک پول یا ارز معتبر شرعی تلقی کرد.

در جواب می‌گوییم: اولاً این شبهه نقض می‌شود به بعضی کالاها یا حتی پول‌های فیزیکی غیر اعتباری که ارزش ذاتی دارند، مانند پول طلا و نقره که افراد ذخیره می‌کنند و قیمت آن در طول زمان بیشتر می‌شود، خصوصاً با توجه به اینکه نیاز به طلا و تقاضای آن هر روز افزایش پیدا می‌کند و معادن طلا رو به کاهش است و تولید آن هم در آزمایشگاه مقرون به صرفه نیست. و نیز بسیاری از چیزهای دیگری که در این جهت نظیر طلا و نقره هستند؛ مثلاً کسی کالایی در انبار دارد و یک ناامنی اتفاق می‌افتد که ورود و خروج آن کالا یا تولید آن را دچار مشکل می‌کند و این موجب می‌شود که قیمت آن کالا ده‌ها و بلکه صدها برابر شود. به هر حال این مشکل از اموری نیست که موجب عدم مشروعیت مبادله با یک پول یا کالا شود و این اتفاقات در طول زمان بسیار اتفاق افتاده است.

ثانیاً: راه برای اصلاح این مشکل اصلاً بسته نیست؛ زیرا با پیشرفت تکنولوژی می‌توان رمزارز جدیدی به عنوان رقیب بیت‌کوبین ابداع کرد که موجب کاهش اقبال مردم به بیت‌کوبین شود، کما اینکه امروزه رقیب پیدا

شده اما در حدی نیست که موجب سلب اعتماد مردم از بیت‌کوین و اقبال عمومی شدید به غیر آن شود.

همانطور که توضیح دادیم یکی از علل عمده اقبال مردم به بیت‌کوین، استحکام درونی برنامه آن و خدشه‌ناپذیر یا کم‌خدشه بودن آن است. منتها با توجه به پیشرفت تکنولوژی، چه‌بسا بتوان رقیب مناسب‌تری از آنچه امروزه وجود دارد برای بیت‌کوین درست کرد که از لحاظ اطمینان، فناوری، آسانی استفاده و خصوصیات دیگر، بر مثل بیت‌کوین راجح باشد. در چنین شرایطی طبیعی است که تقاضا برای بیت‌کوین کم می‌شود و تقاضا منعطف به آن رمزارز جدید می‌شود به گونه‌ای که قیمت بیت‌کوین را متعادل کرده و آن را کاهش می‌دهد و حتی چه‌بسا منجر به سقوط بیت‌کوین شود. و این نکته مهمی است که باید بدان توجه شود که استفاده‌کنندگان از رمزارزها وقتی می‌بینند رمزارز جدیدی ابداع شده که همان اعتمادها را دارد و در عین حال سهل‌الوصول‌تر است و از جهاتی مزیت دارد، طبیعی است که به آن روی می‌آورند و حتی رمزارزهای دیگر خود را تبدیل به رمزارز جدید می‌کنند و در نتیجه به واسطه افزایش عرضه رمزارز قبلی، قیمت آن شروع به کاهش کرده و حتی این خطر وجود دارد که قیمت آن را نزدیک به صفر کند تا جایی که رمزارز قبلی به عنوان یک تکنولوژی عقب افتاده تلقی شود و کسی اصلاً به آن اقبال نکند.

بعید هم نیست چنین اتفاقی دیر یا زود محقق شود و اینکه ما گفتیم استفاده از بیت‌کوین مانعی ندارد، مقصود اصل مشروعیتش است و الاً تمام جهات مذکور باید در نظر گرفته شود و این نظیر آن است که احتمال بدهیم دولتی نوعی اسکناس را در آینده دور یا نزدیک از اعتبار ساقط کند؛ چراکه نوعاً حیثیت تعلیلیه ارزش اسکناس‌ها، اعتبار دولتهاست، و مادامی که دولت آن اسکناس را از اعتبار ساقط نکرده می‌توان با آن معامله کرد، منتها انسان عاقل باید این احتمال و سایر امور را ملاحظه کند و نسبت به آنها غافل نباشد.

ثالثاً: اینکه سازندگان بیت‌کوین تصریح کرده‌اند - هرچند ما ندیدیم - و عده‌ای هم تحلیل کرده‌اند که «مثل بیت‌کوین برای این درست شد تا جلوی دخالت دولت‌ها گرفته شود و نتوانند مثل پول‌های کاغذی، با چاپ بی‌رویه اسکناس برای تأمین کسری بودجه خود، ارزش آن را کاهش دهند؛ چراکه بیت‌کوین تحت یک سیستم متمرکز نیست، بلکه شبکه هم‌تا به هم‌تاست که همه کاربران به طور مساوی می‌توانند از آن استفاده کنند و تولید بیت‌کوین جدید تحت ضابطه درون برنامه‌ای است و کسی نمی‌تواند در آن تصرف کند، لذا دولت‌ها نمی‌توانند در آن تأثیرگذار باشند و به طور معمول موجب پایین آمدن ارزش آن شوند». در بررسی این مطلب می‌گوییم:

بله، قبول داریم که در مراحل و به نحو پول‌های اعتباری، دولت‌ها نمی‌توانند در بیت‌کوین و امثال آن

تأثیرگذار باشند، اما این چنین نیست که اصلاً تأثیرگذار نباشند، بلکه دولت‌ها با توجه به قدرت خرید و نیز قدرت ماینیگی که دارند می‌توانند مؤثر باشند. دولت می‌تواند با ماینرهای متعدد، اقدام به تولید بیت‌کوین کند و این بیت‌کوین‌ها را در اختیار داشته باشد تا هر وقت صلاح دانست آن را با قیمت بالاتر یا پایین‌تر عرضه کند و حداقل در حدودی که با خرید و فروش ارز فیزیکی در بازار تأثیر می‌گذارد، مؤثر واقع شود. کما اینکه دولت می‌تواند از طریق عرضه اوراق مشارکت و قرضه، بیت‌کوین‌های مردم را جمع کند - یعنی مردم با بیت‌کوین، اقدام به خرید اوراق قرضه یا مشارکت کنند - و در مواقع صلاحدید آن بیت‌کوین‌ها را به بازار تزریق کند؛ چه برای پرداخت دیون و چه عرضه ابتدایی برای خرید کالا و خدمات و امثال آن. البته روشن است که تأثیر چنین اموری به اندازه تأثیر تصرف دولت‌ها در پول ملی نیست.

بنابراین هرچند دست دولت‌ها به نحو قانونی کوتاه می‌شود و نمی‌توانند مانند چاپ و نشر اسکناس تأثیرگذار باشند و تا اندازه‌ای از طریق سیستم بانکی هم نمی‌توانند اثرگذار باشند، اما از طریق ماینیگی و تولید بیت‌کوین و نیز خرید بیت‌کوین در مقابل اوراق مشارکت و قرضه، می‌توانند با [کنترل] عرضه و تقاضا، در بازار تأثیرگذار باشند؛ نظیر تأثیری که مثلاً دولت‌ها در ارزهای خارجی می‌گذارند. الان با اینکه سیستم مرکزی ارزهای خارجی مانند دلار، ین، یورو، یوآن و امثال آن دست دولت ایران نیست، متنها با ابزاری که دولت در اختیار دارد در بازار ارز تأثیر می‌گذارد، کما اینکه فی‌الجمله تصریح به آن هم کرده‌اند که برای اداره کشور، خودمان قیمت ارز را بالا برده‌ایم. و حقیقت این است که دولت با ذخائر ارزی و سایر اهرم‌هایی که در اختیار دارد، می‌تواند قیمت ارزهای خارجی را تثبیت کند یا بالا و پایین بیاورد و بازار را ولو فی‌الجمله کنترل کند.

به هر حال دولت‌ها با ابزاری که دارند و با همان سیاست‌هایی که در ارزهای فیزیکی اعتباری اعمال می‌کنند، می‌توانند در مورد مثل بیت‌کوین نیز تصمیم بگیرند. بله، قبول داریم که کنترل قیمت رمزارزها، بسیار مشکل‌تر از ارزهای فیزیکی اعتباری است و اگر عرضه آن رمزارز جهانی باشد، دولت اصلاً توانایی مدیریت آن را ندارد و اگر داخلی باشد، کنترلش سخت است، اما به هر حال راه برای کنترل آن در بازار داخلی کلاً بسته نیست. البته اگر بتوانند یک رمزپول داخلی طراحی کنند به گونه‌ای که صرف نکند آن را در خارج هزینه کنند، در این صورت اشکال‌هایی که مطرح شده به مقدار معتنا بهی تقلیل پیدا می‌کند. در سطح جهانی هم اگر یک ساز و کار بین‌المللی طراحی شود که دولت‌ها در آن سهیم باشند، راحت‌تر می‌توان قیمت آن را کنترل کرد. مضافاً به اینکه اشاره کردیم اگر رقیب مناسبی برای آن ابداع شود، می‌تواند قیمت بیت‌کوین را متعادل

کند.

شبهه ششم: بیت‌کوین و سایر رمزارزها، وسیله خروج سرمایه از کشور

شبهه دیگر که در بعضی از مطبوعات و رسانه‌ها نیز مطرح شده آن است که گفته‌اند رمزارزها از جمله بیت‌کوین، وسیله خروج سرمایه از کشور هستند. و این خروج سرمایه هم به دو نحو اتفاق می‌افتد؛ گاهی افراد با امکانات داخل کشور و از طریق ماینینگ داخلی، بیت‌کوین تولید می‌کنند و سپس آن را منتقل به خارج از کشور می‌کنند. و این کار موجب می‌شود که نیروی انسانی و غیر انسانی داخل کشور منتقل به خارج شود و مثلاً آن افراد در کشورهای اروپایی یا آمریکا برای خود خانه، کارخانه و یا سهام خریداری کنند. و این خروج سرمایه به مصلحت کشور نیست و چه‌بسا کسی بگوید مشروع نیست.

قسم دوم که ظاهراً خطرناکتر به نظر می‌آید آن است که بعضی افراد از طریق صرافی‌ها و با پول داخلی، بیت‌کوین خریداری می‌کنند و سپس این بیت‌کوین‌ها را مستقیماً و یا با تبدیل به دلار، به خارج منتقل می‌کنند و این خروج سرمایه از کشور خصوصاً در شرایط حاضر [که کشور دچار تحریم‌های بانکی و مالی است] آسیب جدی به اقتصاد وارد می‌کند و چه‌بسا موجب عدم مشروعیت شود.

ما ابتدا به قسمت دوم شبهه رسیدگی می‌کنیم و در ضمن دو صورت به آن جواب می‌دهیم. **صورت اول** اینکه بیت‌کوینی که از طریق صرافی‌ها خریداری و منتقل به خارج شده، از طریق ماینینگ داخلی یا معامله با ماینینگ داخلی به دست آمده است که *إن شاء الله* بررسی این مرحله در ضمن قسم اول خواهد آمد؛ چراکه تفاوتی میان آنها نیست.

صورت دوم اینکه منشأ آن بیت‌کوین‌ها، ماینینگ خارجی و یا معاملات خارجی باشد؛ یعنی صرافی‌ها آن بیت‌کوین‌ها را از بازار جهانی تهیه کرده و در حساب خود نگه داشته‌اند و در داخل کشور آنها را به فروش می‌رسانند. در این صورت معلوم است که خروج سرمایه‌ای از کشور اتفاق نمی‌افتد؛ مثلاً اگر کسی ده میلیارد تومان بیت‌کوین از طریق صرافی خریداری کند و آن را در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کند، آن ده میلیارد کجا می‌رود؟ روشن است که آن ده میلیارد از کشور خارج نمی‌شود و نزد خود صراف است و صراف عملاً نمی‌تواند یا برایش صرف نمی‌کند که آن پول را منتقل به خارج از کشور کند، بلکه مجبور است داخل کشور هزینه کند.^۱ به هر حال در صورت دوم معلوم است که خروج سرمایه‌ای اتفاق نمی‌افتد.

۱. و اگر احیاناً کسی احتمال دهد که صراف آن پول را نزد خود نگه می‌دارد و در بازار داخلی هزینه نمی‌کند، می‌گوییم این اتفاقاً به نفع اقتصاد کشور

اما در بررسی قسمت اول شبهه که منشأ آن بیت‌کوین‌ها داخلی باشد - چه صرافی‌ها با ماینینگ مستقیم تولید کرده باشند و چه عده‌ای در داخل تولید کرده و در اختیار صرافی‌ها گذاشته باشند - می‌گوییم: در این صورت معلوم است که انتقال بیت‌کوین‌ها به خارج از کشور، موجب خروج سرمایه می‌شود؛ زیرا آن بیت‌کوین‌ها با برق ارزان ایران که دولت به آن یارانه مستقیم یا غیرمستقیم داده تولید شده است. همچنین خدماتی که استفاده شده و نیز نیروی انسانی‌ای که کار می‌کند، تبلورش همان بیت‌کوین می‌شود که علی‌الفرض به خارج از کشور انتقال داده می‌شود، لذا در این صورت باید راه حلی برای اشکال پیدا کرد.

یک راه حل آن است که ارائه خدمات به صرافی‌های داخلی و نیز به ماینرها، همراه با اخذ عوارض و مالیات باشد و دولت با وضع قوانینی در این زمینه، آن ضایعه را جبران کند. و یا اینکه محدودیت‌هایی برای آنها قائل شود مانند اینکه یارانه مستقیم و غیر مستقیم را حذف کند. البته حذف یارانه غیر مستقیم سخت‌تر است.

ثانیاً: در مورد رمزارزها نهایتاً یک سلسله اشکالات و عوارض منفی وجود دارد، اما این موجب عدم مشروعیت فقهی استخراج و معامله با آنها نمی‌شود؛ کما اینکه مثل این عوارض در پول‌های اعتباری و نیز پول فیزیکی دارای ارزش ذاتی وجود دارد؛ مثلاً ممکن است افرادی پول‌های فیزیکی دارای ارزش ذاتی را کنز کنند، با توجه به اینکه حجم تولید این پول‌ها وابسته به استخراج از معادن طلا و نقره و ضرب آنهاست و میزان ذخایر و استخراج آن هم محدود است، کنز این پول‌ها موجب می‌شود که جامعه وسیله تبادل خود را از دست بدهد و تجارت آسیب ببیند. اما صرف وجود این مضرات دلیل نمی‌شود که این پول‌های فیزیکی یا اسکناس‌های اعتباری داخلی و خارجی و یا رمزارزها نتوانند پول یا ارز و یا حتی کالا باشند.

بله، اگر زمانی با محاسبات دقیق اقتصادی و علمی اثبات شد که این رمزارزها در مجموع به کشور ضرر می‌زنند، دولت می‌تواند آنها را ممنوع کند و یا محدودیت‌هایی قائل شود و این محدودیت‌ها طبق عناوین ثانویه و به عنوان فرامین حکومتی، لازم‌الاتباع می‌شود، اما با صرف نظر از این مشکل، ذات رمزارزها دارای مانع شرعی نیستند.

و اما اینکه افرادی الآن عملاً سوء استفاده می‌کنند و با ترفندهای مختلف، رمزارزها را تبدیل به ارز کرده و از کشور خارج می‌کنند بدون اینکه کالایی وارد کنند و کشور را محروم از ارز لازم می‌کنند، این یک آسیبی است که در ارزهای معمولی نیز اتفاق می‌افتد، و ربطی به اصل حکم شرعی ندارد. و همانطور که

است؛ چراکه عرضه پول کمتر می‌شود و دولت می‌تواند با اتخاذ سیاست انبساطی، موجب رشد و رونق اقتصادی شود. بله، این آفت را دارد که ممکن است آن پول‌ها را یکدفعه در بازار هزینه کنند [و موجب نوسان ارزش پول، تورم و... شود].

گفتیم دولت با ابزارهایی که در اختیار دارد، می‌تواند این قضیه را مدیریت کند، مثلاً ارز در اختیار آنها نگذارد و... به هر حال اینکه میزان ضرر در رمزارزها بالاتر یا پایین‌تر از ارزهای اعتباری است، تأثیری در اصل حرمت و حلیت ندارد.

الحمد لله آنچه مربوط به بیت‌کوین و سایر رمزارزها از حیث اصل مشروعیت و معامله با آنها بود را بررسی کردیم و فکر نمی‌کنیم که مسئله مهم دیگری در این زمینه باقی مانده باشد.

والحمد لله رب العالمین

مقرّر: جواد احمدی